

اسلام ، الگوی مصرف و نقش زنان در جلوگیری از اسراف

● محمد رضا ایروانی

دکترای مددکاری اجتماعی و استادیار

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

iravani@iaukhsh.ac.ir

چکیده

هدف از این تحقیق ، بررسی دیدگاه اسلام در خصوص الگوی مصرف و نقش زنان در جلوگیری از اسراف است که به همان نسبت باعث صرفه جویی در هزینه و افزایش بهره وری میشود و سلامت روانی و جسمی افراد خانواده پایدارتر و در این میان زنان کسانی هستند که می توانند با اتحاد و همبستگی در بین اعضاء خانواده و نسبت به شناخت عادت های اشتباه و حذف باورهای غلط اقدام نمایند و زمینه اصلاح و ارتقاء فرهنگی افراد ، همکاری ، اتحاد ، همبستگی و صمیمیت می باشد و زنان ، می توانند نقش تعیین کننده و کنترل کننده بر ساختار خانواده و اجتماع داشته باشند و با بررسی های بعمل آمده به علت اینکه نیمی از جامعه از جنس زنان است و زنان امروز جایگاه و وضعیت متفاوتی نسبت به گذشته بدست آورده اند و باعث بروز نقش های شده اند که هویت زنان از همین نقشها متأثر میشود.

و صرفه جویی نقش بسیار مهمی در اقتصاد خانواده دارد زیرا مهم درست خرج کردن است نه بیشتر پول داشتند و اگر صرفه جویی و فکر اقتصادی در یک خانواده وجود نداشته باشد درآمد به هدر می رود بدون اینکه توانسته باشند از آن استفاده لازم و کافی را برده باشند این در حالی است که در بسیاری از خانواده ها که درآمد خوبی دارند ولی رشد و پیشرفت اقتصادی ندارند بازهم با این درآمد ناراحتی دارند .



مقدمه

و امروزه کشور ما یکی از همین بازارهای مصرف است و مصرف‌گرایی در جامعه ما یعنی فقیر شدن کشور و تنها راه حل غرب برای تبدیل کشورها به بازار مصرف خود، غربی کردن آنهاست.

همچنین دین اسلام بهره‌برداری مشروع از نعمت‌های الهی را مباح و روا و اسراف را زیاده‌روی و حرام و ناروا می‌داند که در آیات متعدد به آن اشاره شده است همچنین از دیدگاه روایات، بر ضرورت فرهنگ‌سازی برای صرفه‌جویی و قناعت تاکید فراوان صورت گرفته است بر همین اساس سال ۸۸ مزین است به کلام شایسته و بایسته مقام معظم رهبری در خصوص اصلاح الگوی مصرف و ما برآنیم تا پیرو فرمایشات مقام معظم رهبری و سرمشق قراردادن قرآن و روایات باب جدیدی را در صرفه‌جویی باز نمائیم.

ضرورت و اهمیت موضوع مورد مطالعه

ضرورت بحث از این امر ناشی می‌گردد، که رابطه ای بین عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه از یکسو، و الگوی مصرف از سوی دیگر وجود دارد و شناخت هر چه دقیق‌تر و بهتر این رابطه می‌تواند به تغییر در امور اقتصادی - اجتماعی جامعه کمک کند چرا که فرهنگ و ارزشهای جامعه می‌تواند بر نوع مصرف و امکانات و مقدرات کشور برتامن مصرف مؤثر باشد. عکس این مطلب نیز صادق است. به بیان دیگر، انواع مصارف جامعه می‌تواند فرهنگ و ارزشهای آن را تحت تاثیر قرار دهد، و میزان مصرف (به صورت سرانه‌های کم یا زیاد) بر تعیین نرخ رشد جمعیت مؤثر افتد و تامین اقلام مصرفی جامعه، نحوه به‌کارگیری امکانات و توانمندیهای تولیدی کشور را سازماندهی کند.

خلاصه اینکه ضرورت بحث پیرامون الگوی مصرف، ناشی از به هم پیوستگی و ارتباط متقابل و چند گانه الگوی مصرف با دیگر اجزا جامعه است؛ به نحوی که تغییر در هر یک باعث تغییر در دیگری می‌گردد.

ضرورت بحث پیرامون الگوی مصرف از بیان امر ناشی میشود که انتقادات و اعتراضات جدی نسبت به نحوه مصرف در افراد و اقشار مختلف جامعه وجود دارد و از

سیاست مداران غربی همواره کوشیده‌اند توسعه یافتگی، را آرزوی ممالک به اصلاح در حال توسعه جلوه نمایند و این در حالی بود که توسعه یافتگی غربی، چیزی جز تبدیل شدن به مستعمره غرب و زایل شدن فرهنگهای بومی ملت‌ها نبود.

سطح و شکل مصرف افراد و اقشار جامعه الگوی مصرف آنها را بوجود می‌آورد به عبارت دیگر، الگوی مصرف در برگیرنده کمیت و کیفیت اقلام مصرفی افراد و خانوارهای جامعه است، که تحت تاثیر استاندارد مصرف، درآمد، موقعیت اجتماعی و غیره تغییر می‌یابد. افزایش درآمد بر سطح مصرف اثر می‌گذارد، اما میزان تاثیر آن بر شکل مصرف متغیر است. به عبارت دیگر، وقتی درآمد افزایش یابد، مصرف همه اقلام مورد نظر همزمان افزایش نمی‌یابد، بلکه به عنوان مثال در جامعه شهری با افزایش مصرف کلاه، درصد مخارج مربوط به اغذیه کاهش می‌یابد و در نتیجه سهم بیشتری از درآمد افزایش یافته، به کالاهای بادوامی نظیر ماشین، رادیو، تلویزیون و دیگر کالاهای برقی داده می‌شود. البته این امر در جوامع مختلف متفاوت است.

اصولاً یکی از مباحث اساسی در اقتصاد مسئله توزیع درآمد است که نابرابری آن در تمامی سیستمهای اقتصادی موجود قطعی است و پایه اکثر انقلابهای جهانی نیز همین توزیع بسیار غیر عادلانه درآمد در طبقات جامعه می‌باشد. در واقع، چگونگی توزیع درآمد باعث می‌گردد که سطح متعادل یا نامتعادلی از درآمد در اختیار مصرف‌کنندگان قرار گیرد. اصولاً در جامعه‌ای که در آن درآمدها به طور مساوی توزیع شده، کالای تجملی و کالاهای نامرغوب کمتر مصرف می‌شود تا جامعه‌ای که در آن تعداد اندکی ثروتمند است و تعداد کثیری فقیر. درآمد انتخاب کالا، تبلیغات نیز جایگاه ویژه‌ای اشغال می‌کند. تبلیغات از یکسو باعث افزایش آگاهی فرد از کم و کیف کالاها می‌شود، و از سوی دیگر علائق و تمایلات افراد و خانوارها را تغییر می‌دهد. در این تغییر، علائق افراد از انتخاب کالاهای ضروری به کالاهای تجملی و از پس انداز به مصرف تبدیل می‌شود. علاوه بر این، معروف بودن یا شدن یک کالا و نیز شویه ارائه آن در بازار، می‌تواند مصرف کالائی را افزایش دهد. گاه این امر تا بدانجا پیش می‌رود که بخشی از جذابیت کالا بخاطر گران بودن آن است.

کالاهای مصرفی را از دیدگاهی به دو دسته ضروری و تجملی تقسیم می‌کنند. منظور از کالاهای ضرور کالاهائی است که نه تنها به طور طبیعی، بلکه بر اساس قواعد جاری جامعه برای رده‌های پایین و بالای جامعه ضروری و لازم تشخیص داده می‌شود. به بیان دیگر، تغییرات مثبت یا منفی در درآمد فرد یا جامعه، تغییرات نسبی کمتری را در مصرف این کالاها به وجود می‌آورد، در حالیکه کالاهای لوکس و غیر ضروری کالاهائی هستند که تغییرات درآمد باعث تغییرات نسبی بیشتری در مصرف آن کالاها می‌شود. امروزه انسان و مطالعات فرهنگی جایی تاسف دارد که ایران انقلابی ما نیز به یکی از همین بازارهای مصرف مبدل گشت و از آنجا بود که مصرف‌گرایی در جامعه ما نهادینه شده است. و امروزه کشور ما یکی از همین بازارهای مصرف مبدل گشت و از آنجا بود که مصرف‌گرایی در جامعه ما نهادینه شده است.



از نیازهای موثر باشد و زمینه لازم را برای استفاده منطقی از امکانات موجود فراهم آورد. با آنکه امکانات و توانمندیهای جامعه در هر مقطع زمانی با محدودیت های خاص خود مواجه است، اما میزان نیاز مستمر در حال افزایش است چرا که جمعیت کشور با نرخ بالایی رشد می کند کمبود امکانات و افزایش مطلق نیازها، الزاماً افزایش تولید را می طلبد که در صورت عدم تحقق آن تولید نه چندان کافی را می بایست بین جمعیت فزاینده ای تقسیم کنیم، که نتیجه ای جز فقر و ضعف در بر ندارد.

فرهنگ و ارزشهای جامعه می تواند بر نوع مصرف، جمعیت و محل زیست آن، بر میزان مصرف و امکانات و مقدرات کشور بر تاملین مصرف موثر باشد. عکس این مطلب نیز صادق است. به بیان دیگر، انواع مصارف جامعه، می تواند فرهنگ و ارزشهای آن را تحت تاثیر قرار دهد، و میزان مصرف (به صورت سرانه های کم یا زیاد) بر تعیین نرخ رشد جمعیت موثر افتد و تامین اقلام مصرفی جامعه، نحوه بکارگیری امکانات و توانمندی های تولیدی کشور را سازماندهی کند. خلاصه اینکه ضرورت بحث پیرامون الگوی مصرف، ناشی از بهم پیوستگی و ارتباط متقابل و چندگانه الگوی مصرف با دیگر اجزاء جامعه است؛ به نحوی که تغییر در هر یک باعث تغییر در دیگری می گردد.

ضرورت بحث پیرامون الگوی مصرف از این امر نیز ناشی می شود که انتقادات و اعتراضات جدی نسبت به نحوه مصرف در افراد و اقشار مختلف جامعه وجود دارد و از آنجا که استقلال سیاسی موجود کشور بدون برخورداری از استقلال اقتصادی نمی تواند پایدار بماند، تغییر در الگوی مصرف به عنوان گامی در جهت دست یافتن به استقلال اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. در همین رابطه می و ان به موارد زیر اشاره کرد:

چنانچه الگوی مصرف، آحاد جامعه را به سمت مصرف هر چه بیشتر سوق دهد و در نتیجه بخش اعظم درآمد آن به مصرف اختصاص یابد، بدیهی است که از سطح پس انداز کاسته شده و در مجموع زمینه لازم برای سرمایه گذاری فراهم نمی گردد. عدم سرمایه گذاری در زمینه های مختلف، ضعف و فقر را به دنبال می آورد. ضعف اقتصادی نیز فقر فرهنگی و انحطاط اجتماعی را سبب می شود. چنین امری نیز به نوبه خود آسیب پذیری کشور در برابر قدرتهای سلطه گرا را می افزاید و استقلال سیاسی کشور را مورد تهدید جدی قرار می دهد.

با مصرف هر چه بیشتر در یک نسل و عدم ایجاد زمینه های لازم برای تولید مایحتاج نسل بعد، به حقوق آنها تعدیل شده و عدالت نسل به نسل محدودش می گردد، به عبارت دیگر، مصرف فراوان که مانع از تولید بعدی می شود، بدین معنی است که رشد آتی جامعه از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قل از تحقق به مصرف رسیده و در نتیجه الگوی مصرف به جای آنکه زمینه رشد و توسعه کشور را فراهم نماید، موجبات انحطاط آن را فراهم آورده است.

بدیهی است که در هیچ جامعه ای فراوانی مطلق وجود ندارد، و عوامل تولید با محدودیت و کمیابی مواجه اند. الگوی مصرف، می تواند به تخصیص منابع و نحوه بکارگیری عوامل تولید کمک کند در حالی که در برگیرنده نیازهای ضروری و اساسی است، می تواند در امر اولویت بندی و تشخیص میزان اهمیت هر یک از نیازها موثر باشد و زمینه لازم را برای استفاده منطقی از امکانات موجود را فراهم کند.

با آنکه امکانات و توانمندی های جامعه در هر مقطع زمانی با محدودیت های خاص خود مواجه است، اما میزان نیاز مستمراً در حال افزایش است؛ چرا که جمعیت کشور با نرخ بالایی رشد می کند. کمبود امکانات و افزایش مطلق نیازها، الزاماً افزایش تولید را می طلبد، که در صورت عدم تحقق آن، تولید نه چندان کافی را می بایست بین جمعیت فزاینده ای تقسیم کنیم، که نتیجه ای جز فقر و ضعف در بر ندارد.

معمولاً تولید به منظور مصرف صورت می گیرد. مصرف نیز بکار بردن کالاها و خدمات به منظور تامین احتیاجات انسانی است. اگر این استفاده ابرای تولید کالاها و خدمات جدید صورت گیرد، به آن «مصرف واسطه ای» می گویند، و اگر استفاده از کالاها و خدمات منتهی به ارضاء احتیاجات انسانی شود، به آن «مصرف نهائی» می گویند.

اگر کالاهائی مصرفی با اولین استعمال خود منهدم گردند- مثل غذا- از نوع «بی دوام» هستند، و برعکس، اگر بتدریج از بین بروند، مثل لباس، اتومبیل شخصی، خانه و غیره- از نوع «بادوام» هستند. کالاهای بادوام بردارانی خانوار می افزایند.

آنجا که استقلال اقتصادی نمی تواند پایدار بماند، تغییر در الگوی مصرف به عنوان گامی در جهت دست یافتن به استقلال اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد و در همین رابطه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

چنانچه الگوی مصرف آحاد جامعه را به سمت مصرف هر چه بیشتر سوق دهد و در نتیجه بخش اعظم درآمد آن به مصرف به عنوان گامی در جهت دست یافتن به استقلال اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. در همین رابطه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

با مصرف هر چه بیشتر در یک نسل و عدم ایجاد زمینه های لازم برای تولید مایحتاج نسل بعد، به حقوق آنها تعدیل شده و عدالت نسل به نسل محدودش می گردد به عبارت دیگر مصرف فراوان که مانع از تولید بعدی می شود بدین معنی است که رشد آتی جامعه از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قبل از تحقق به مصرف رسیده و در نتیجه الگوی مصرف به جای آنکه زمینه رشد و توسعه کشور را فراهم نماید موجبات انحطاط آن را فراهم آورده است.

بدیهی است که در هیچ جامعه ای فراوانی مطلق وجود ندارد و عوامل تولید با محدودیت و کمیابی مواجه اند الگوی مصرف، می تواند به تخصیص منابع و نحوه بکارگیری عوامل تولید کمک کند در حالی که در برگیرنده نیازهای ضروری و اساسی است، می تواند در امر اولویت بندی و تشخیص میزان اهمیت هر یک



مصرف

معیشت، به معنای متوازن نمودن درآمدها و هزینه‌ها - آرامش روحی و روانی، که شرط اصلی رفاه مادی است، به وجود نمی‌آید. جست و جوی الگوی مصرف متناسب خانوار به معنای تهیه‌ی نسخه‌ای عام برای همه نیست، بلکه آشنایی با معیارها، فرضیه‌ها و رفتارهای بخردانه‌ای در مصرف است که خانواده‌در پرتو آن بهتر می‌تواند بر مسائل و مشکلات مالی خویش غلبه کند و هزینه‌ها را تا حد ممکن به امکانات نزدیک نموده، از فشارهای روانی وارد بر خانواده از نظر ساعات کار و احساس محرومیت و خفت و شکست بکاهد.

«یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلووا و اشربوا و لاتسرفوا انه لایحب المسرفین قل من حرم زینه الله التی اخرج لعباده و الطیبات من الرزق.» (اعراف، و ۳۲): ای فرزندان آدم، زینت‌های خود را به هنگام ورود به هر پرستشگاهی (مسجدی) برگزید و بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید. خداوند متعال اسراف کنندگان را دوست ندارد. (ای پیامبر) بگو چه کسی زینت‌ها و روزی‌های پاکیزه‌ای را که خداوند برای بندگان قرار داده، حرام و ممنوع گردانیده است؟!». «اسراف را خداوند برای همه انسان‌ها، به ویژه بندگان صالحش، آفریده است و این طرز تفکر، که تلاش برای به دست آوردن امکانات مادی ممکن است با انحرافات و آلودگی‌هایی همراه گردد، پس بهتر است تا آن جا که ممکن است افراد با ایمان از نعمت‌های دنیوی استفاده نکنند، از

«مصرف مفهومی کلیدی است؛ به این معنا که می‌توان با آن قفل فهم جامعه مدرن را باز کرد. مصرف، مفهومی آغشته به ارزش است. برای مثال، در جهان کنونی بیش «بازار باز» به عنوان جامعه خوب مطرح شده است که ادعای شود ثروت کالاها، خدمات و آزادی انتخاب را به مصرف کنندگان عقلانی عرضه می‌کند. در مقابل، برخی بخش منفی و تاریک مصرفی را با بهره‌گیری از واژه‌های تحقیر آمیزی مانند، مصرف گرایی، مادی گرایی، فرصت طلبی، خود پرستی و لذت گرایی مورد توجه قرار می‌دهند (آلد ریچ، ۲۰۰۳: ۷-۶).

امروزه ما در محاصره خارق العاده مصرف و فراوانی خدمات اشیاء و کالاهای مادی قرار گرفته ایم. همینها جهش اساسی در «اکولوژی نوع انسانی» پدید آورده است. به قول جین بودیارد، دیگر احاطه بشر با بشر پایان گرفته است و اینک شاهد محاصره بشر با اشیاء هستیم. دیگر مبادله روزانه بین افراد نیست، بلکه با کسب و دستکاری کالاها و پیامها صورت می‌گیرد (فوستر، ۱۹۹۸).

یکی از مهم ترین ویژگی های جامعه مصرفی، انباشت و فراوانی است. فراوانی همه چیز: لباسها، غذا، و... نمایش یا عرضه کنندگی، انباشت را فراتر از واقعیت آن چیزی می‌کند که وجود دارد. این یعنی تظاهر مازاد یا به عبارت دیگر، پایان کمیابی. شکل مؤثر انباشت اشیاء در نمایش و مجموعه هاست که صورت و نمود می‌یابد. چنین نمایشی با عرضه و نمایش سنتی متفاوت است و حتی با نمایش مدرنیته اولیه هم تفاوت دارد «نمایش مدرن اشیاء، نمایش سلسله اشیا است که همدیگر را تکمیل می‌کنند و حق انتخاب را نشان می‌دهند» (فوستر، ۳۱-۳۰). بنابراین، میتوان گفت که «جامعه مصرفی» جامعه نمایش و جلوه است نمایش کلان نماست. شاید به این لحاظ باشد که گیدنز چنین جامعه‌ای را «پساکمیابی» می‌نامد (پیرسون، ۲۱۳-۲۱۲).

اسراف

عبارت است از خارج شدن و تجاوز نمودن از حد اعتدال در هر کاری که از انسان سر بزنند. از روایات بسیاری چنین استفاده می‌شود که اسراف به معنای خارج شدن از حد اعتدال و میانه روی است. امیر المومنین علی (ع) می‌فرماید: «اسراف را به خاطر میانه‌روی و حد اعتدال رها کن.» مانند: لباس گران قیمتی بپوشیم، که بهای آن چند برابر لباس مورد نیاز باشد.

تبذیر

«تبذیر به معنای تباه ساختن نعمت و زیاده‌روی در بهره‌گرفتن از منابع آن است.»

دیدگاه اسلام در خصوص الگوی مصرف

امام سجاد در یکی از دعاهای خود چنین می‌فرماید: «پروردگارا، بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا از اسراف و زیاده روی باز دار و به بخشش و میانه روی قوام ده و تنظیم صحیح امور زندگی را به من بیاموز و مرا از تضییع نعمت‌ها بازدار.»

اتخاذ الگوی صحیح و منطقی در مصرف، آثار فردی و اجتماعی فراوانی به دنبال دارد؛ زیرا در سطح کلان، تا امکانات یک جامعه با نیازها و خواست‌های افراد آن جامعه متناسب و هماهنگ نباشد، کسب استقلال اقتصادی و دست یابی به عزت و سرافرازی ممکن نمی‌گردد و در سطح فردی، بدون اجتناب از مصارف غیر ضروری و تجملی و تقدیر



غفلت از یاد خدا همواره موجب هلاکت و نابودی اقوام و ملل بوده است. روی گردانی از یاد خدا موجب سختی در معیشت و اضطراب خاطر می‌گردد.

اعراض از یاد خدا-سختی در معیشت

کسی که از یاد خدا غافل و تنها هدفش در زندگی حداکثر کردن ثروت و لذایذ مادی باشد، به هیچ حدی قانع و راضی نگشته با حرص و طمع و فزون طلبی، عرصه‌ی زندگی را بر خود تنگ کرده، نسبت به هموعان خود ظلم و ستم می‌کند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «و من اعرض عن ذکری فان له معیشةً ضنکاً». کسی که از یاد خدا اعراض نماید، برای او معیشت و زندگی سخت خواهد بود.

«ضنک» به معنای تنگی همراه با سختی است توضیح آن که اگر انسان خدا را فراموش کند و با او قطع رابطه کند، دیگر چیز بجز دنیا نمی‌ماند که به آن دل ببندد و در نتیجه، چنین فردی تمام کوشش خود را صرف بدست آوردن پول و مقام و شهرت و سایر مظاهر دنیوی می‌کند و هر روز آن را توسعه داده، و به هیچ حدی قانع نگشته، حرص و طمع او به جایی منتهی نمی‌گردد. او گم شده‌ی خدا را که، روح انسانی‌اش را اشباع و سیراب می‌کند، در دنیا نمی‌یابد. از سوی دیگر، تکیه گاه و نقطه‌ی اعتماد مطمئنی در زندگی ندارد تا در سختی‌ها و ناملایمات به آن پناه ببرد و آرامش بخش او در زندگی باشد.

در اتخاذ الگوی صحیح مصرف، رعایت حدود و مقررات الهی را در درجه‌ی اول اهمیت قرار می‌دهد. اسلام (برخلاف نظام سرمایه‌داری که در آن تولید و مصرف با هدف به حداکثر رساندن شود و مطلوبیت مادی کاملاً آزاد است) برای حفظ مصالح فرد و جامعه، برای تولید و همچنین مصرف، حدود و موازینی قرار داده و در نتیجه، استفاده از برخی کالاها و خدمات به دلیل مسائل ارزشی یا مفاسد و مضراتی که در بردارند، حرام و ممنوع گردیده است.

اعتدال در مصرف: حد مطلوب بهره‌مندی و استفاده از نعمت‌های الهی آن است که همراه با رعایت اعتدال و به قدر کفاف باشد. اعتدال و میانه روی در مصرف، که در روایات از آن به «قصد» و «اقتصاد» تعبیر شده، حد وسطی است که اسراف و تقتیر (سخت‌گیری) در آن نباشد. البته این حد نسبت به افراد مختلف و شان و شخصیت اجتماعی آنان متفاوت است. در روایتی از امام باقر میانه‌روی در حالت بی‌نیازی و نیازمندی یکی از عوامل نجات انسان شمرده شده است.

حضرت علی (ع) نیز در این باره می‌فرماید: «هنگامی که خداوند متعال خیر و نیکی را برای بنده‌ای مقدر نماید، اقتصاد و میانه روی در زندگی را به او الهام می‌کند.»

«اسراف» در لغت، به معنای تجاوز از حد است و هرکاری که از نظر کمیت یا کیفیت از اندازه خود تجاوز کند، «اسراف» است و چیزی که در راه غیر طاعت خدا مصرف گردد، هر چند کم باشد، «اسراف» می‌باشد.

«اسراف» کلمه‌ی جامعی است که هرگونه زیاده‌روی در کمیت و کیفیت مصرف را شامل می‌شود و امروزه ثابت شده که یکی از مهم‌ترین دستورات بهداشتی پرهیز از اسراف و زیاده روی در خوردن و آشامیدن است؛ زیرا براساس تحقیقات دانشمندان، بسیاری از بیماری‌ها ناشی از غذاهای اضافی هستند که در بدن انسانی باقی می‌مانند. این مواد اضافی هم بار سنگینی بر قلب و سایر دستگاه‌های بدن و هم منبع آماده‌ای برای انواع عفونت‌ها و بیماری‌ها هستند. عامل اصلی تشکیل مواد مذکور اسراف و زیاده‌روی در تغذیه و -به اصطلاح- پرخوری است و برای درمان بیماری‌های ناشی از چربی خون، نارسایی‌های کبد، تنگ شدن رگ‌ها و بیماری‌قند، جز اعتدال در تغذیه و تحرک کافی راهی نیست.

از دید اسلام اعتقاد به آخرت و اصالت دادن به آن، چارچوبی برای مصرف شخص مسلمان پدید می‌آورد که آن رابه عنوان قالب مصرفی خود در پیش خواهد گرفت. تاثیر این نگرش در رابطه دنیا و آخرت بر مصرف این است که مسلمان نمی‌تواند به بهانه مالکیت بی‌چون و چرای خویش بر اموال و دارای‌هایی که در دست دارد، بدون هیچگونه قید و بند و به هر نحوی، آنها را در جهت تامین لذت‌های شخصی به کارگیرد بلکه اسلام به عنوان مثال مصرف برخی کالاها را ممنوع اعلام کرده و حتی در میان موارد مجاز به مصرف نیز محدودیت‌هایی را برای مصرف‌کننده اعمال کرده است و حتی در مواقعی، صرف درآمد را در بعضی از راه‌ها مورد تشویق قرار داده است.



نظر اسلام قابل قبول نیست.

امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: «زمانی که نعمت‌ها و فوریافتند و دنیا به انسان رو آورد، بندگان صالح و شایسته و افراد با ایمان به استفاده از آنها سزاوارترند.»

وقتی امیرالمومنین (ع) ابن عباس را به سوی خوارج فرستاد، او بهترین لباس‌های خود را پوشید و بوی خوش استعمال کرد و بهترین مرکبش را سوار گردید و نزد آنها رفت. خوارج گفتند: تو از بهترین مردم هستی و با لباس‌های جباران و مرکب آنان نزد ما آمدی؟ ابن عباس در جواب آنها این آیه را تلاوت کرد: «قل من حرم زینه الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق».

غذای مورد استفاده انسان و آبی که می‌نوشد و پوشاکی که به تن می‌کند، همه از مصادیق روشن مصارف اویند و از مواردی هستند که در قرآن کریم از آنها به عنوان «رزق» یاد شده‌اند.

«رزق» بر چند معنا اطلاق می‌گردد: گاهی بر عطا و بخشش مستمر، که ممکن است در دنیا یا آخرت باشد، اطلاق می‌گردد و گاهی به سهم و نصیب فرد «رزق» او گفته می‌شود و همچنین به آنچه انسان از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، که تغذیه کرده و جزو بدن او گردیده است، «رزق» اطلاق می‌گردد.

«رزق» را به «رزق ظاهری»، که مربوط به بدن می‌باشد، و «رزق باطنی»، که جایگاهش قلوب و قوه ادراکی انسان می‌باشد، تقسیم کرده‌اند. در نتیجه، غذای انسان رزق ظاهری، و علوم و معارف رزق باطنی او می‌باشند.

با ملاحظه‌ی آیات قرآن کریم در زمینه‌ی سنت‌های الهی و بحث مصرف، می‌توان گفت: شکر و سپاس در مقابل استفاده از نعمت‌ها موجب فزونی نعمت گشته و کفران و ناسپاسی موجب محرومیت و نزول بلاها می‌گردد. ظلم و ستم افراد نیز خوش‌گذرانی و ریخت و پاش آنها همراه با سرمستی و